هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ چهاردهم ٦ سرطان ١٣٨٨ ٤ – رجب المرجب ١٤٣٠ – 27- June 2009

سرمقاله

اگر تو رأی ندهی اگر من رأی ندهم هیچکس رأی نمی دهد

ص ۲

شاعراندرقلب ارباب هنردارد وطن

ص۴



حمایت از نامزدی داکتر عبدالله رو به گسترش است

ص۶

آیا حامد کرزی آمادهٔ مناظره تلویزیونی با داکتر عبدالله خواهد شد؟

داکتر عبدالله نامزد انتخابات ریاست جمهوری هفته گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با ایکن بری سفیر امریکا گفت، به منظور روشن شدن مشکلات کنونی کشور وشناخت برنامه های مورد نیاز آینده، به حامد کرزی رئیس جمهور کنونی پیشنهاد می کند تا در یک بحث ومناظره تلویزیونی با وی شرکت نماید.

قبلا اشرف غنی احمدزی یکی دیگر از کاندیدان، چنین پیشنهادی را مطرح کرده بود، اما تا هنوز از سوی حامد کرزی در این رابطه پاسخ مثبت شنیده نشده است.

فکر نمی شود حامد کرزی در مناظره تلویزیونی با داکتر عبدالله یا داکتر اشرف غنی شرکت نماید، وی در موقعیت بسیار ضعیف قرار داشته ودر دفاع از کارکرد هفت ساله خویش که به شدت از سوی مردم ورسانه ها منفی ارزیابی شده است با مشکلات پیچیده روبرو می باشد. ضعف ها ونارسایی های دولت آقای کرزی آنچنان بی شمار وبزرگ است که حکومت وی را یکی از ناکام ترین حکومت های افغنستان ویکی از چهار فاسدترین حکومت جهان ساخته است.

هرچند در جریان هفت سال حکومت آقای کرزی، کارهایی انجام یافته وپروژه های اجرا شده، اما این دست آوردها که بیشتر در عرصه های اقتصادی، سیاسی وفرهنگی انجام یافته است، در میان انبوهی از ناکامی ها دیگر قابل ملاحظه به نظرنمی رسد. کار های که در بخش اقتصادی انجام یافته وعمدتا پروژه های راه سازی را در بر می گیرد، به دو علت حکومت نمی تواند این کارها را به عنوان دست آورد مثبت خویش معرفی نماید. علت نخست آن است که دولت

ادامه در ص۷

پشت پردهٔ انتخابات

نکتهٔ دیگری که قابل تذکر است اینست که آقای کرزی در دفاع از اینکه چرا مارشال فهیم را بحیث معاون اول خود برگزیده اند فرمودند که من می خواهم مجاهدین در صحنه باشند. جالب است که جناب کرزی در زمان انتخابات بیاد مجاهدین می افتند و بعد از انتخابات به مجاهدین می گویند: رفاقت چیزی است و سیاست چیز دیگری! از من دور شوید وگرنه به کمسیون حقوق بشر می گویم که شما را بعنوان مجرم جنگی محاکمه کند!

ص۲

هیواد د ټولټاکنو په درشل کې، د نا امنیو له غوبل سره



او هم ورسره د کندهار په ښارکې دیوبنخ شوي ماین د چاودنې په نتیجه کې څلورتنه پولیس او دوه تنه ملکی وګړي ټپیان شوي و، همدارنګه په تیره اونۍ کې پلازمینې کابل ته له ټولونږدې ولایت لوګر کې د ظهیرالدین په نوم یو تن تاجر د نامعلومو وسله والو لخوا د چرخ په ولسوالۍ کې وژل شوي ؤ.

***

نو پداسې حالاتوکې د ولسمشرۍ ټولټاکنې راروانې دي او موجوده دولت د شاو خوا څلویښتو دولتونو له اتوکلونو راهیسې په شتون کې هم پدې ونه توانیده چې هیواد له امنیت څخه برخمن کړي او بلکې امنیتي وضع له یوې ورځې څخه بلې ته ترډې حده خرابیږي

ص۵

چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما



پیام و خطاب خداوند متوجه همه بندگان او می باشد نه متوجه فرد خاص. از همین جاست که جنبش های اسلامی حکومت اسلامی را مطرح می سازند نه حکومت دینی را زیرا در فقه سیاسی اسلام، رئیس حکومت اسلامی باید از طریق رأی مردم بر گزیده شود اما درحکومت های تحریف شده به اصطلاح دینی، تعیین رئیس جمهور بایدازطریق دیگری غیر از رأی مردم صورت پذیرد.

***

درست است که استخاره به حیث یک سنت اسلامی مورد تایید بوده و هرفرد مسلمانی حق دارد هنگام رو به رو شدن به مشکلی با آداب ویژه استخاره، طلب راه خیر را نماید.

ص۳

نا توانی های دولت درکار مبارزه با مواد مخدر

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ١٣٥٧ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ٠٧٠٢٨٥١٣٩ و ٠٧٠٨٨٢٧٨٩٠
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

اگر تو رأی ندهی اگر من رأی ندهم هیچکس رأی نمی دهد

در نتیجه کارکرد منفی وضعیف حکومت در هشت سال گذشته، که مخالف توقع شهروندان و مخالف وعده های داده شده بوده، یک حالت یأس و نارضایتی شدید در میان مردم به میان آمده است. بر اثر این یأس ونارضایتی، شمار کسانی که جهت شرکت در انتخابات اشتیاق وجدیت نشان می دهند ، در مقایسه به انتخابات گذشته به شدت کاهش یافته است.

شمار زیادی از هموطنان تصمیم دارند در انتخابات شرکت نکنند، دلائل این عده احتمال تقلب در انتخابات ویا نا امیدی از امکان بهبودی واصلاحات است که فکر می کنند تمام سیاستمداران افغانستان ونامزدان ریاست جمهوری، مانند حکومت آقای کرزی دروغ می گویندوکارکرد بهتر از حکومت کنونی نخواهد داشت. شماری هم دودل ومتردد هستند وتاهنوز نامزد مورد نظر خویش را نیافته اند.

هردوگروه یاد شده دچار اشتباه شده اند واجازه داده اند یأس بر آنها غلبه کند وآنها را از انجام یک مسؤلیت عمده ملی باز دارد، آنها باید ملتفت باشند که اگر رأی دادن دردی را دوا نکند رأی ندادن برای هیچ کس سودی در بر نخواهد داشت، بهتر است این دو گروه بر اساس منافع ملی، نظر خویش را تغیر دهند وتلاش کنند از میان نامزدان فرد مورد نظر خویش را تشخیص دهند و به نفع وی در انتخابات شرکت کنند.

شماری دیگر هم هستند که به حمایت از نامزد معینی تمایل دارند، اما فکر می کنند، پیروزی ویا شکست نامزد مورد علاقه آنها نیازی بر رأی آنها ندارد، چون بالآخره هر یکی از آن ها یک رأی دارد ویک رأی هیچ تأثیری در نتیجه انتخابات نمی گذارد.

اشتباه گروه سوم بزرگتر از اشتباه دو گروه نخست است، چون این هموطنان حاضر نیستند برای تحولی که از آن حمایت می کنند، زحمت رفتن به پای صندوق های رأی را تحمل کنند. این افراد متوجه باشند، آنها یکی دو نفر نیستند، شمار شان شاید به صدها هزارها و حتا میلیون ها رأی دهنده برسد، در صورتی که این تمایل یا باور که رأی آنها تأثیری در نتیجه انتخابات ندارد، همه این گروه از مردم را از رفتن به پای صندوق های رأی باز دارد. در نتیجه کاندید مورد نظر آنها قطعا با شکست روبرو خواهد شد وآن گاه پشیمانی سودی برای آن ها در بر نخواهد داشت.

این غفلت ویا اشتباه باعث خواهد شد، تمایلاتی که آن ها دارند وبراساس آن ترجیح می دهند. فلان نامزد باید زمام اداره‌ء کشور را در پنج سال آینده در دست گیرد، برآورده نمی شود وکسی به جای وی سکان ادارهٔ کشور را در دست می گیرد که از نظر آنها، سیاست غلطی را در پیش خواهد گرفت ویا سیاست غلطی را ادامه خواهد داد.

بنابراین باید هر رأی دهنده فکر کند، رأی او است که نامزد مورد نظرش را به پیروزی می رساند ورأی اوست که نتیجه انتخابات را تغیر می دهد وبربنای این اندیشه باید هرچه زود تر نظر خویش

پشت پردهٔ انتخابات

ابوبکر سبزوار

کمپاین انتخاباتی کاندیداها ادامه دارد و کاندیداهای محترم با این امید که مردم را شیفتهٔ قیافه های مبارک شان نمایند، در چاپ و نصب پوستر سعی بلیغ بخرج داده اند. در بعضی از این پوسترها سعی شده تا فکر کاندید محترم در هنگام گرفته شدن عکس نیز در زیرنویس تحریر گردد تا مردم در این رابطه مشکل نداشته باشند، مثلا این جمله که: رهبر ملت در فکر ملت!

ماجرائی که در این هفته سبب شد تا فکر رهبر ملت را از فکر ملت بسوی دیگر معطوف سازد دیدار سفیر امریکا با جمعی از کاندیدا های رقیب جناب کرزی بود. سخنگوی ایشان این عمل سفیر امریکا را نادرست دانستند. بعضی از روزنامه های نزدیک به حاکمیت موجود از جمله ویسا در سرمقالهٔ خود این کار را نقض حاکمیت ملی کشور تلقی کردند. این درحالیست که رادیو بی بی سی در یک گزارش از زندان بگرام، از تخلفات گستردهٔ نقض حقوق بشر توسط نیروهای خارجی پرده برداشتند و گفتند که تا کنون هزاران تن از اتباع افغانستان توسط نیروهای خارجی در این کشور دستگیر و در این زندان بیند کشیده شده و در جریان بازجوئی شکنجه شده اند. بعضی از این اشخاص بعدا بدون اینکه جرمی علیه شان ثابت شده باشد از زندان آزاد شده اند. در اینجا از نقض حاکمیت ملی یک کشور آزاد سخنی در میان نیست. کسی نمی پرسد که این حکومت که اینقدر در مورد حاکمیت ملی در کشور حساس است چرا در طول سالهای حاکمیت خود مشکلاتی از این دست را با خارجیان حل نکرد.

از نظر عرف دیپلوماتیک، دیدار سفیر یک کشور خارجی با مخالفین سیاسی دولت تابع شرایط و قوانین هر دولت است. در دولت های استبدادی هرنوع رابطه با سفارت خانه های خارجی بدون استیذان از دولت به معنی خیانت به کشور تلقی می شود. در دوران حکومت های استبدادی در کشور ما چنین حالتی حاکم بود و سفرای کشورهای خارجی نیز این حدود را رعایت می کردند. امروز در کشورهائی با رژیم های استبدادی، دیدار با یک مخالف سیاسی دولت در شرایطی ممکن است که شخص مذکور تحت نظارت نباشد. البته در چنین حالتی معمولا برای دیدار، نیاز به اجازه از جانب دولت است. مانند رژیم برما که انسوان سوچی رهبر مخالفین وقتی تحت نظارت نباشد می تواند با اجازهٔ دولت برما با خارجیان دیدار نماید.

اما در مورد کشورهای نظیر افغانستان، وقتی قانون محدودیتی را بر دیدار اتباع این کشور با خارجیان وضع نکرده است و سفیر امریکا هرروز با چند افغان دیدار می کند. دهها هزار نیروی خارجی بدون اجازهٔ دولت افغانستان هر زمان که بخواهند به هر جا می روند و با هرکسی تماس می گیرند، چرا باید دیدار کاندیداهای رقیب جناب کرزی را نقض حاکمیت ملی کشور و بدعتی کفرآمیز بشمار آورد؟!

مسئلهٔ دیدار سفرای خارجی با افغانها کاری عادی است اما جناب آقای کرزی از ابراز مخالفت با این موضوع هدف سیاسی

اگر کرزی ترس نبود امنیت دارد می توان این مناظره را در برابر دید رسانه ها در جائی برگزار کرد که امنیت تامین باشد. این بهانه که نبود امنیت اجازهٔ مناظره را نمی دهد عذری ناموجه است

خاصی را دنبال می کند. وی با این ابراز مخالفت و بزرگنمائی این مسئله می خواهد به مردم بگوید که من با امریکا رابطه ای ندارم و این رقبای سیاسی من هستند که با غیرنظامی کشان امریکائی رابطه دارند. پس شما به من رای بدهید! واقعا باید به این زرنگی آفرین گفت!

کمپاین آقای کرزی موجب اختلافات فراوان نیز شده است. شوهری که قصد کاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری و رقابت با آقای کرزی را داشت با مخالفت خانم خود مواجه شد. خانم می فرمود که اگر تو کاندید شوی من اعلام می کنم به کرزی رای می دهم. وقتی مردم بفهمند که حتی خانمت به تو رای نمی دهد، هیچکس به تو رای نخواهد داد. شوهر بخت برگشته مجبور شد تا از کاندیداتوری صرفنظر نماید!

جناب کرزی با مشورهٔ پیر کاردان و کارکشته ای از سرزمینی در خراسان بنام پمقان تلاش کرد تا در صف جبههٔ متحد شگاف اندازد و کسانی را از جبهه، با لطایف الحیل که آن پیر در آن کار ید رسا و تجربهٔ طولا دارد در کنار جناب کرزی قرار دهد. این کار صورت گرفت اما جبهه بحال خود باقی ماند اما بعضی ها به امید رسیدن به وزارت به چکر سرپرستی وزارت رفتند.

جناب کرزی با جنرال دوستم و آقای محقق نیز بر سر دادن امتیازاتی به توافق رسید. اکبربای بیچاره فدای این توافق شد تا رای ترک تباران تقسیم نشود و همه بصورت (کوتره) در صندوق جناب کرزی ریخته شود. کرزی گمان می کند که کسانی که دوره اول انتخابات ریاست جمهوری به محقق و دوستم رای دادند به وی نیز رای خواهند داد اما آیا واقعا چنین خواهد شد؟

به نظر می رسد که جناب کرزی به حساسیت های مردم در شمال افغانستان عنایت لازم را ندارند وگرنه این کار را نمی کردند. بعنوان مثال ایشان به این نکتهٔ مهم توجه نکردند که عطا محمد نور در میان مردم مزارشریف چه جایگاهی دارد و آزرده ساختن وی چقدر می تواند تاثیرات منفی بر میزان رائی که باید به صندوق جناب کرزی در شمال ریخته شود خواهد داشت.

همین اکنون در میان جنبش نشانه هائی از دودستگی جدی به نظر می رسد و عده ای تصمیم حمایت از کرزی را تصمیم شخصی یک فرد می دانند نه تصمیم جمعی اعضای جنبش. در جلسه ای در شمال افغانستان اکثریت اعضای جنبش این تصمیم را رد کردند و امتیاز طلبی های شخصی را مردود شمردند.

نکتهٔ دیگری که قابل تذکر است اینست که آقای کرزی در دفاع از اینکه چرا مارشال فهیم را بحیث معاون اول خود برگزیده اند فرمودند که من می خواهم مجاهدین در صحنه باشند. جالب است که جناب کرزی در زمان انتخابات بیاد مجاهدین می افتند و بعد از انتخابات به مجاهدین می گویند: رفاقت چیزی است و سیاست چیز دیگری! از من دور شوید وگرنه به کمسیون حقوق بشر می گویم که شما را بعنوان مجرم جنگی محاکمه کند!

شکایت مردم اینست که اکثریت کاندیداهای محترم تاکنون برنامه های کاری خود را به مردم ارائه نکرده اند. یکی از راههای جواب به این خواست مردم مناظرهٔ تلویزیونی میان کاندیداهاست. در کشورهای دیگر معمول است که کاندیدها در برابر کمرهٔ تلویزیون برنامه های همدیگر را نقد می کنند و به مردم این فرصت فراهم می آید تا در میان چند کاندید خوب، کاندید خوبتر را تشخیص دهند و یا خدا ناخواسته در میان چند کاندید بد کسی را که کمتر بد است شناسائی کنند. این کار در ایران موجب گردید تا تعداد بیشتری از مردم به پروسهٔ رای دهی علاقه بگیرند پس چرا نباید در افغانستان این کار صورت گیرد؟

قرار اطلاع جناب داکتر اشرف غنی احمدزی از حامدکرزی خواسته تا با وی در یک مناظرهٔ تلویزیونی شرکت کند. آقای کرزی در ابتدا ظاهرا مخالف این کار نبودند اما وقتی مسئولین بعضی از رسانه ها به دفتر کمپاین انتخاباتی جناب کرزی مراجعه کردند و خواستار وضاحت در مورد زمان این مناظره گردیدند، به جواب رد از جانب مسئولین مواجه شدند. به این رسانه ها گفته شد که حامدکرزی رئیس جمهور است و مانند دیگر کاندیداها بیکار نیست که وقت خود را با این کارهای بیهوده ضایع کند. مردم او را می شناسند و به وی باور دارند. او نیازی به چنین تبلیغات ندارد و از جانب دیگر شرایط امنیتی هم اجازهٔ این کار را نمی دهد.

امید است که این خبر درست نباشد و حامد کرزی در مناظرهٔ تلویزیونی حاضر شده و از کارکرد های حکومت خویش در طول سالهای گذشته همانگونه که مثلا در مجلس سنای امریکا دفاع کرد، دفاع نماید. اگر وی به این کار حاضر نشود، به این معنی خواهد بود که وی از خود قادر به دفاع نیست.

اگر کرزی ترس نبود امنیت دارد می توان این مناظره را در برابر دید رسانه ها در جائی برگزار کرد که امنیت تامین باشد. این بهانه که نبود امنیت اجازهٔ مناظره را نمی دهد عذری ناموجه است.

چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما

احمدفواد

اشاره: در این دوهفته اخیر که کارزار انتخاباتی روز به روز گرم تر می شود، نهاد های درچهارچوب دولت با کاربرد لطائف الحیل و استفاده از ابزارهای مختلف، مذبوحانه تلاش می ورزند، تا بار دیگر همای دولت بر سر آقای کرزی سایه افگند و باز قدرت سر از نو برشانه اش بنشیند.

آقای مجددی به حیث رئیس مجلس سنا و نهادهای همطراز او چون شورای علما و وزارت اوقاف برای تداوم ریاست آقای کرزی و بقای وی بر مسند قدرت از هیچگونه تلاش دریغ نورزیده ولو که این تلاش ها درتضاد با موازین شرعی هم باشند.

بلی در درهمین چند روز اخیر از طریق رسانه ها پخش شد که آقای حضرت صبغت الله مجددی بنا به تعبیر رسانه ها "به اشاره خداوند ..." مردم را به رأی دادن به نفع کرزی فراخوانده است.

این فراخوان حضرت مجددی ابعاد مختلفی را دراین راستا تداعی می کند که مختصرا به آن ها اشاره می شود.

١- همانگونه که روزنامه ها از زبان حضرت مجددی نقل نموده اند، ریاست جمهوری بعد از اول جوزا حق قانونی ایشان بوده ولی بنا بر فیصله ستره محکمه آن را به آقای کرزی وا گذارشدند.

بر بنیاد چنین نقل قولی شخص حضرت مجددی هم، اعتراف دارد که بقای آقای کرزی در مقام ریاست جمهوری فاقد مشروعیت است و حالا به صورت غیر مشروع درهمه عرصه ها از جمله عرصه مالی و استفاده از آن درکمپاین انتخاباتی خود به حساب دارای ملت کار و پیکار می نماید.

٢- حضرت مجددی در استخاره خود، خویشتن را بحیث نماینده خدا جا زده و چون اسقف های "رضوان فروش" در سده های میانه تاریخ اروپا، نظام عقیدتی اسلام را بحیث یک نظام عقیدتی کلیسایی معرفی می کندکه باید استف ها و پاپ ها به تعیین شاهان از طرف خداوند بپردازند همان گونه که در اروپای غربی چنین روشی برقرار بود و یا چون قیصرها، خود به حیث نمایندگان خدا بر کلیساها حکومت می کردند، همان گونه که در نظام قیصری روسیه رواج بود.

در نظام عقیدتی اسلام درمیان خدا و بنده اش هیچ واسطه وجود ندارد و هر بنده به فحوای آیت (أدعونی استجب لکم) (ازمن بخواهید شما جواب می دهم) می تواند مستقما به آفریدگار خویش رابطه برقرار کند.

درست است که استخاره به حیث یک سنت اسلامی مورد تایید بوده و هرفرد مسلمانی حق دارد هنگام رو به رو شدن به مشکلی با آداب ویژه



و دراین روزها هم آقای مجددی ازطریق استخاره خویش مردم را به رأی دادن با آقای کرزی به حیث یک امر دینی فرامی خواند وازتعلیمات دینی به گونه ابزاری به نفع آقای کرزی استفاده می کند.

استخاره، طلب راه خیر را نماید.

اما هیچ کس و هیچ فردی صلاحیتی این را ندارد که از طریق استخارهٔ خود، به مردم فراخوان دهد که شما فلان راه را انتخاب کنید و یا به فلان کس رأی بدهید و حتی رویای صالحه هم که در تعلیمات انبیا جایگاه ویژه خود را دارند. هیچگاه رویا غیر انبیا نسبت به دیگران. الزامیتی ندارد و شخص استخاره کننده خود مکلف به استخاره خود می باشد نه دیگران برنباد همچو آموزه ها است که در اسلام هیچکس نمی تواند جز پیامبران بحیث نماینده خدا حرف بزند.

پیام و خطاب خداوند متوجه همه بندگان او می باشد نه متوجه فرد خاص. از همین جاست که جنبش های اسلامی حکومت اسلامی را مطرح می سازند نه حکومت دینی را زیرا در فقه سیاسی اسلام، رئیس حکومت اسلامی باید از طریق رأی مردم بر گزیده شود اما درحکومت های تحریف شده به اصطلاح دینی، تعیین رئیس جمهور بایدازطریق دیگری غیر از رأی مردم صورت پذیرد.

٣- تناقض در موضعگیری ابزار گرایانه حکومت ازاسلام وتعلیمات آن:

چندی قبل شورای علما که متأسفانه- با وصف آن که درمیان شان شخصیت محترم وحقگوی وجود دارند- بحیث ابزاری درمشروعیت بخشیدن به تصامیم دولت وسیاست انحصارطلبانه آن، مورد استفاده قرارمی گیرد، فتوای صادرکرد که بقای آقای کرزی درمقام ریاست جمهوری بعد ازاول جوزای ٨٨ به زعم این شورای مبنی بر اصول اسلامی بوده وصراحت قانون اساسی را دراین مورد را زیرپاکرد.

به تعقیب آن دراین اواخر وزارت اوقاف درچوکات دولت به مساجد به حیث مراکز گردهمایی مسلمانان، دستورصادرکرد که مساجد نباید منبری وتریبیونی برای تبلیغ برای کاندیدان ریاست جمهوری باشند.

و دراین روزها هم آقای مجددی ازطریق استخاره خویش مردم را به رأی دادن با آقای کرزی به حیث یک امر دینی فرامی خواند وازتعلیمات دینی به گونه ابزاری به نفع آقای کرزی استفاده می کند.

بدون شک آن چه را که این گونه موضعگیری های متضاد دراستفاده ازدین درخورد مخاطبان خود می دهد این است که ازدین نه به حیث یک پیام رهایی بخش ملت ها وتوده ها از قید اسارت وذلت خودکامگی استفاده می شود، بلکه ازآن بحیث وسیله تأمین اغراض شخصی وحفظ قدرت گروهی بهره می برند.

اینگونه فتواها واستفاده ابزاری ازطریق نهادهای معین وبخصوص، ازیک طرف زمینه ساز آن می شود که نماد های قدرت های سیاسی خود را به حیث (ظل الله فی الارض) (سایه خدا درزمین) وانمود سازند وبه سرکوب هرمخالف ضد قدرت خود بپردازند، همانگونه که جعفرمنصور خودرا (سرمنبر دربغداد) قدرت خدا درزمین (او)

ادامه در ص ۶

دکتر عبدالله از زبان خودش



پیوسته به گذشته

آگاهی از فوت پدر

درهمان سال اولی که به پنجشیر رفتم؛ یعنی در سال ١٣٦۴ پدرم درکابل فوت کرده بود و من از آن آگاه نبودم.

در آن زمان رواج بود که مجاهدین هر ساله یک بار به مناطقی که نزدیک به خط طرف مقابل بود می آمدند، جایی که معمولاً رفت و آمد صورت می گرفت، خانواده ها از کابل می آمدند و مجاهدین از خانواده های شان دیدن می کردند. یک سال بعد از فوت پدرم، من آمدم در قریه ای به اسم منیاره در جبل السراج. شماری از اعضای خانواده ام به شمول مادر و خواهرانم هم آمده بودند ، آنها گفتند که پدرم فوت کرده است. خوب، این وضعیت، دشواری های همان زمان را نشان می دهد و در عین زمان ، خاطره دیگری هم از این وضعیت دارم : زمانی که مجاهدین از کوهها برای دیدن خانواده های شان می آمدند، مردم شمالی خانه های خود را با فرش و ظرف در اختیارشان قرار می دادند، حتا این که خود شان به جاهای دور می رفتند و یا در یک اطاق در شرایط دشوار گذاره می کردند و خانه های باقی مانده را در اختیار مجاهدین قرار می دادند. این احساس نشان می داد که در یک حرکت ، چطور همه مردان و زنان سهم دارند و این همه نشان دهندهٔ آن بود که یک ملت چه قدر در یک آرمان شریک هستند و چه قدر به هم نزدیک شده اند. این نویدی بود که اشغال، یک روزی به پایان می رسد و مردم سرنوشت خود را به دست خود می گیرند.

شوق شعر و ادب

در دوران مکتب از ابتدا پدرم در بعضی از بخش ها مثلاً در امور دینی از قرائت قرآن شریف تا ترجمه و تفسیر و صرف و نحو و فقه ، من و تمام اعضای خانواده ما را درس می داد . در واقع این جزو برنامه های هر روزه ما بود. بعد تر، آثار ادبی مثل مثنوی معنوی و گلستان سعدی را در سال های اول مکتب از پدر م آموختم و همین نقطه آغاز علاقه مندی من به ادبیات بود . فراموش نکنم که معلمی در لیسه نادریه داشتیم به نام محمد اسمعیل خزایی که یک ادیب خوب بود، وی سبب تشویق من می شد ؛ بعدا شنیدم که پس از کودتای هفت ثور زندانی و بعداً به شهادت رسید.

در زمان جهاد نیز برایم جالب بود ، در اولین روزی که با آمر صاحب روبه رو شدم، یک تعداد دوست های دیگر هم بودند- از جمله داکتر صاحب مهدی که یکی از شخصیت های سیاسی افغانستان است- ما در مسیر راه با آمر صاحب در جایی توقف کردیم و چای نوشیدیم که بحث شعر و ادب آغاز شد. دیدم نه تنها آمر صاحب به شعروادب علاقه مندی دارد؛ بلکه از آن آگاه هم است. این موضوع برای من بسیار جالب بود، همین بود که بعد ها با آمر صاحب هر وقتی که فرصت پیش می آمد- مثلا بعد از یک روز بسیار خسته کن و پر مشغله- در مورد شعر وادب بحث می کردیم وکتاب حافظ - که همیشه نزد ما می بود- و همچنان دیگر کتب ادبی را می خواندیم. من از آن روز ها خاطره های شیرین بسیار دارم.

یک خاطره شیرین

به یاد دارم وقتی را که چند نفر با هم، در یک شب مهتابی از یک پل - پل که می گویم منظورم از یک پلچک است که از دو چوب دستک ساخته شده بود- در منطقه ورسج می گذشتیم. آمر صاحب رو به ما کرده گفت: اشعاری که در باره مهتاب است بخوانید! همه چند بیت خواندیم. یک دوست که در آنجا حضور داشت و اسمش را نمی گیرم، گفت: من هم یک شعر می خوانم که در مورد مهتاب است و زمانی که شعرش را خواند در مورد آفتاب بود نه مهتاب. همه خندیدم و بسیار خندیدیم.این هم خاطره ای است که از آن روزها باقی مانده. این لحظات همیشه تکرار می شد تا زمانی که شبی که فردای آن آمرصاحب، شهید شد، شعرهایی از حافظ را همراه با دوستان که آن شب با ایشان یک جا بودند ، می خواندند.

دوران حکومت مجاهدین:

اگر بگویم که دوران بسیار سخت و دوره بسیار دشوار زنده گی من همان چند سالی که در کابل بودیم، بوده است، مبالغه نکرده ام.

سخنگوی وزارت دفاع

در آنزمان سخنگوی و رییس دفتر وزارت دفاع بودم؛ البته گاهی هم جهت اجرای وظایف به شمال و غرب افغانستان به نماینده گی دولت اسلامی افغانستان می رفتم؛ اما در طول مدتی که جنگ های پس از حاکمیت مجاهدین جریان داشت وآغازگر آن آقای حکمتیار بود و بعدا جنگ ، شکل پیچیده ای به خود گرفت که خاطرات ناگواری را به همه مردم به همراه داشت، در کنار آمر صاحب بودم، چه در زمانی که در وزارت دفاع بودند و چه زمانی که از وزارت دفاع استعفا کردند.

وقتی به کابل آمدیم ، بلافاصله از یک طرف، جنگ آغاز شد - گفتم که آغازگر جنگ کی بود- آمر صاحب شهید حدود یک ساعت در مخابره با آقای حکمتیار صحبت کرد و گاهی با نرمش و گاهی با جدیت مساله را مطرح کرد که عواقب جنگ چه خواهد بود؛ ولی متاسفانه با مداخله خارجی ها جنگ آغاز شد و از سویی هم غرب که در دوران جهاد با افغانستان کمک کرده بود در مورد افغانستان بی علاقه گردید .

من در همین دوران؛ یعنی در سال ١٣٧٢عروسی کردم که محصول عروسی من سه دختر و یک پسر است. با خانواده درکابل زنده گی می کردیم تا وقتی که طالبان به کابل آمدند؛ اما وقتی که طالبان کابل را اشغال کردند، همراه با خانواده ام که شامل مادرم، خانمم و یک طفلم می شد، به پنجشیر رفتیم.

در مرحلهٔ مقاومت، خانواده در ابتدا در پنجشیر تا مدت زیادی باقی ماند و بعد تر مجبور شدم آنها را به خارج (هندوستان) انتقال دهم و خودم به کارهایم ادامه دادم، که عمدتا در پهلوی آمر صاحب به حیث سخنگوی دولت اسلامی ازجبهات مقاومت نماینده گی می کردم.

ادامه دارد

بحثی درباب مکاتبات منظوم

شاعراندرقلب ارباب هنردارد وطن

عبدالقیوم ملکزاد

چنانچــه درجستارپیــشین اشــارتی داشــتیم، شــادروان اســتاد خلیــل الله خلیلــی، درروزگارحیــات خویش ازحرمــت واحتــرام فروانــی درمیــان رجــال ادبــی وعلمــی کــشورهای مختلــف بــالاخص ایــران، برخورداربــوده اســت. تــا جــایی کــه حــضوراستاد درمحافــل ادبــی ومجــامع علمــی وفرهنگــی موجــب مباهــات اربــاب قلــم واصــحاب ســخن بــسیاری ازمعاصــرین شعرسـرای آن دیــار بــا ســرایش شــعری مقدم اورا گرامی میداشته اند.

زیــرا ســخنوران مهــرورز ایــران در پهلــوی موجودیــت رشــته همــدلی- کــه تــاثیر ژرف تــرو رساتری نسبت بــه پیونــد زبــانی دارد- کوشــیده انــد تــا طعــم گــوارا و دلپــذیرهمزبانی را برچاشــینی همــدلی و مــراوده هــا بیفزاینــد وآن را بــرای مهمــان عزیزشــان استاد خلیلی هنگــام ســفراین شهــسوارسخن در دیــار همزبانان همدل هم کیش پیشکش کنند.

چنانچــه آقــای " دنیاطــاهری" یکــی ازســخنوران ایــران، هنگــام ورود اســتاذ درشهرمــشهد گفته بود:

استادا! کشورما مکتب علم است و فضل
قدرتوایران بداند چونکه شاعرپرور است
کودک ما پند سعدی را کند سرمشق خویش
شعرحافظ چون جوان وپیرما را ازبراست.

دلــیلش هــم آشکاراســت وآن اینکــه: هــم شــعرخلیلی بــه زبــان شــیرین دری- فارســی انــشاد شده وهم سروده های سعدی وحافظ (رحمهم الله)

دنیا طاهری بـا پیــروی ازصــنعت نظیــره گــویی یا استقبال ازشعر"پیام صـلح" شـادروان اسـتاد خلیـل الله خلیلــی –کــه بــه مناســبت ســالگره یونــسکو، بــا مطلع

آدمی را هرچه ازمشت غباری پیکراست
جلوه گاه عظمتش ازباخترتا خاوراست

گفتــه شــده بــود، بــه مناســبت گرامــی داشــت ازمقام استاد خلیلی سخنورنامورکشور ما می سراید:

شهرمشهد را کنون رنگ وصفای دیگراست
چونکه اینک میزبان شاعرودانشوراست
آن چراغ معرفت کورهنمای خلق گشت
هرکجا پرتو بیفشاند مراو را کشوراست
هردرخت سربلندی کوفشاند شاخ وبرگ
سایه یی ازشاخ وبرگ اوبه هربوم وبراست
خاصه کین استاد چون همسایه وهمکیش ماست
ارتباط معنوی دربین ما محکمتراست
کشور افغان همیشه مهد دانش بوده است
سرزمینش مسکن مردان دانش پروراست
اینک این مهمان دانشمند استاد سخن
خود نماینده زفضل ودانش آن کشوراست
ای خلیلی گرکند دنیا به مدحت افتخار
این دوبیت من کجا اندرخور آن سروراست!
ای سخنور! ذره آوردم به پیش آفتاب
چون یقین دارم که آن استاد ذره پروراست

چنانچــه ارائــه داشــتیم شــعردنیا طــاهری بــه اقتفای شعر"پیام صلح" استاد خلیلی است.

دربیــت زیرمزیــد بــرآورده شــدن نامــه منظــوم" طــاهری" متعاقــب ســروده اســتاد خلیلــی بــه مناســبت ســالگره یونــسکو کــه احتمــالاً درمــشهد ایــران برگزارشده اســت- درایــن بــاره بــا ایــن محتــوی اشــاره شده است:

گرچه شعرمن به پیش آن" پیام صلح" تو
همچو قطره درمیان دجله پهناوراست.

آری!

یکــی ازهــدایای قیمتدارســخنوران بــه پیــشگاه ســخن ســازان، ســرایش نامــه منظــوم واعطــای آن بــه جانب مقابل می باشد.

به گونــه مثــال: ایجــاد ادبــی –کــه دراواخرســده ســیزدهم درشهرســماجی، مرکزشــروان تاســیس وبــه نــام " بیــت الــصفا" معــروف گردیــد- بــه منظورزنــده نگــه داشــتن همــین ســنت خجــسته پــی ریــزی شــده بود.

مــی نویــسند: نظیــر" بیــت الــصفا" محافــل ادبــی دیگــری درشــهرهای شــوش (مجلــس انــس، مجلــس خاموشــان) بــاکو(مجمــع الــشعراء) دوبــاره (انجمــن شــعرا) تــشکیل گردیــده بــود کــه دررأس هریک ازآنها شاعری مشهورقرارداشت.

" بیــت الــصفا" بــا ایــن محافــل روابــط ایجــاد کــرده بــود وگــاهی مکاتبــات منظــوم میــان آنهــا رد وبدل می شد.

"حمیــد محمــد زاده " ضــمن اینکــه بیــت الــصفا وبــه وطــورکلی ایــن گونــه محافــل ادبــی را درپیــشرفت واشــاعه شعرســنتی وتربیــت شــعراء مــوثر قلمداد می کند، می افزاید:

اعــضای بیــت الــصفا ودیگــر محافــل ادبــی، بــه دوزبــان(فارســی وترکــی آذربایجــانی شــعرمی ســرودند وغزل رایجترین شعراین محفل ها بود.

بــرای غزلیــات فارســی، اغلــب ازدیــوان حــافظ، وبــرای غزلیــات ترکــی ازآثــار امیرعلیــشیرنوایی وفضولی استفاده می شد."

چه بــسا اوقــات مــشاهده گردیــده کــه رد وبــدل شــدن نامــه هــای منظــوم ازســوی شــعرا، تأثیربهتروبیــشتری درتحکــیم روابــط وپیونــد مناســبات، نسبت به نامه های منثورداشته است.

یکی ازدلایلش شــاید ایــن بــوده باشــد کــه بــه قول دنیاطاهری:

شاعراندر قلب ارباب هنردارد وطن
موطن اوگرچه اندر باختریا خاور است
شاعرازخود می نماید عالمی را مستفیض
اوچو خورشید است وتابنده به هربام ودراست.

آنچه تــا اینجــا ارائــه شــد مکاتبــه منظــوم اســتاد خلیلــی بــود درقالــب پیغــامی آگنــده ازصــلح بــرای بــشریت واســتقبال دنیاطــاهری خطــاب سخنــسرای کــشورما. حــال بــه ســروده دیگــری ازاســتاد عطــف عنان مــی کنــیم تحــت عنــوان "فارســی نــاب" و ایــن ســروده نیزنامــه منظــومی اســت خطــاب بــه اســتاد ســخن بــدیع الزمــان فروزانفــر، کــه درســرطان ١٣۴۵ هجــری آفتــابی ازشــهرجده عربــستان ســعودی ، ارسال شده است.

قبــل ازایــن کــه ابیــاتی ازایــن ســروده درذیــل ارائــه گــردد، خاطرنــشان بایــد ســاخت کــه مــراوده ومواتــست بــین سخنــسازان همــدلی چــون اســتاد خلیلی واستاد فروزانفــر چنــان عمیــق وگــسترده اســت کــه هرگزتــاب دوری وتــوان قطــع ارتبــاط درفاصــله زمانی کوتاه، ازهمدیگر را ندارند.

یعنــی الفــت درمیــان آنــدو چنــان استواراســت که خلیلی درپهلوی ایــن کــه بــا اشــاره خــود را بــه یــاد یــار دیــرین خــود(فروزانفــر) مــی انــدازد، درعــین حــال ایــن ادعــای خیرنیزبرزبــانش جــاری اســت کــه شــادی همــواره قــرین حــالش باشــد. هرچنــد او ازدیررســیدن نامه ناشاد است وبی قرار.

حیــف اســت کــه ایــن ســروده شــورانگیز راکــه دروزنــی کوتــاه ســروده شــده- بــه زمزمــه ننــشینیم وازســـروده مهـــراین دو اســـتاد محبـــت وآموزگارصــمیمیت، زنــگ غــم وکــدورت ازلــوح دل نزدائیم.

مگرنه غیرازاین است:

"ازمحبت خارها گل می شود
وزمحبت سرکه ها مل می شود
ازمحبت تلخ ها شیرین شود
وزمحبت مس ها زرین شود
ازمحبت مرده زنده می شود
وزمحبت شاه بنده می شود"

اینــک نامــه منظومــه اســتاد خلیــل الله خلیلــی خطاب به استاد فروزانفرازمطلع تامقطع:

نکردی به نامه مرا یاد استاد
دل شادت اندوه میناد استاد
دل تومبیناد انده که در وی
جهانی است ازدانش وداد استاد
بود ژرف دریا که درهرتپیدن
گهرپرورید وگهرزاد استاد
مکن خیره آرام دریای دل را
که شد تیره دریا چواستاد استاد
همایون درختی که ستواربیخش
فرود زمین ریشه بنهاد استاد
کشن شاخ های پرازبرگ وبارش
زچرخ برین سربرآراد استاد
توباشی درآن جا که روید زخاکش
گل ولاله سرو وشمشاد استاد
کهن بوستانی که سروبلندش
زبادخزانی است آزاد استاد
به هرسنگ آن داستانها نوشته
زپرویز وشیرین وفرهاد استاد
کهن بوستانی که سروبلندش
برین روزگاری دهد یاد استاد
شبانی فگنده شوری دراین جا
کزآن چرخ درلرزه افتاد استاد
زاشک پدرمرده بینوایی
چه سیلاب ها راه بکشاد استاد
زآیین پیشینیان شست یکسر
سیه واژه خشم وبیداد استاد
جهان کهن را زبنیاد برکند
جهانی زنوکرد بنیاد استاد
بسا شهسوارکه پیش شکوهش
نهاده ست شمشیرپولاد استاد
بس آتش نهاداکه برخاک خواری
شدش آبگون تیغ برباد استاد
بسا شاهبازا که پیش همایش
برافکنده هرسال چون خاد استاد
دراین جا یکی خانه باشد که یزدان
درآن پرتوخویش بنهاد استاد

استاد خلیــل الله خلیلــی ضــمن دعــای خیــر بــه اســتاد فروزانفــر، تــصویری ازخانــه خــدا درمکــه مکرمــه ارائــه مــی دهــد وآن را " مهــین خانــه" یــی برمــی شــمارد کــه آســمان بــرروی فــرود آمــده وازآن بوســه ها میر باید ومی افزاید:

نهادند بس رازهای نهفته
به هرسنگ آن لاد برلاد استاد
کجا دل که اسپند آسا براین در
نجست وبه جنبش نیفتاد استاد

اســتاد خلیلــی بــه ادامــه قــصیده یــاد خــاک وطنش مــی کنــد، وطنــی کــه ازبهــشت بــرین یــاد مــی دهــد وازکوهــسارش رودهــای غریونــده شورشــادی برمی کشد.

اودرعـــین حـــال ازگونـــه گـــون بـــا غهـــا وچمنـــزاران یـــاد مـــی آورد وبـــسا از زیبـــایی هـــا ودل افروزی های دیارخودش(درآن روزگار)

ولــی جــای دریــغ ایــن جاســت کــه ازآغــوش دیارش دوراســت ومــصروف خــدمت بــه ارتبــاط وطــن ومردمش به جای دیگر...

فلهـــذا از نداشـــتن همزبـــا ن درآن ســـرزمین دلگیراست وازایــن درد سخت مــی نالــد ومــرغ دلــش هرلحظــه بنــای تپیــدن مــی نهــد او مــی گویــد زمــانی احـــساس شـــادی مـــی کنـــد کـــه خبـــری ازآن یـــار عزیــزش اســتاد (فروزانفــر) برســد ونامــه یــی مهرانــدود ازوی فراچنگ آید.

چنانچه می گوید:

مرا دل گروگان مهرتو باشد.
چه کابل، چه جده، چه بغداد استاد

ازهمــین خاطراســت کــه خلیلــی ایــن دُردری را بــه یــاد دیــار همزبــان وهمــدلش(فروزانفــر) مــی کنــد. زیرا درعین این که استاد است درشناس نیزاست:

بس این در دری به نام توکردم
که تودرشناس یا واستاد ، استاد!

و می افزاید:

مرا زادگه بود آنجا که خاکش
دهد ازبهشت برین یاد استاد
زهرکوهسارش غریونده رودی
به شادی کند شوروفریاد استاد
چمن ها گل ولاله ونرگس آرد
چوهربامدادان دمد باد استاد
ازآن گونه گون باغهای نگارین
به لب مانده انگشت بهزاد استاد
همه توده سیم هنگام بهمن
همه خرمن زربه خرداد استاد
تب لرزه افتد به بندادگیتی
چوتندرش آید به فریاد استاد
تناوردرختان ورزنده برکوه
چوگیووچوگودرزوگشواد استاد
خنک بادها ازدل کوهساران
وزد خوش به شبهای مرداد استاد
درختان انبوه شاخ بلندش
پناهنده را جان کند شاد استاد
گهی میوه بخشد گهی سایه آرد
چومردان آزاده راد استاد
چودیگرگراید به کهسارخورشید
شود چرخ دریای بیجاد استاد
دلم شاد گردد اگرهمزبانی
دراین گوشه سازد مرا یاد استاد
من این دردری بنام توکردم
که تودرشناسی واستاد استاد
مرا مهرتوکرد گستاخ ورنه
که زیره به کرمان فرستاد استاد
که زی مهرتابان برد بامدادی
چراغی که هردم بمیراد استاد
عجم تا زمین را به"زا" برنگارد
به ارض عرب تابود"ضاد" استاد
زمین سخن باد سرسبزازتو
گل آرزویت مریزاد استاد

روانــشاد اســتاد بــدیع الزمــان فروزانفــر نیــز همناله بــا اســتاد خلیلــی ازدیررســیدن نامــه شــکوه مــی کند.

اوستادا زبعد عهد دراز
نامه ای سوی ما فرستادی
آشنایان عهد دیرین را
پیک نوآشنافرستادی
هدهدمژده ورسلیمان وار
تابه شهرسبافرستادی
دیدیم ازدروفاکه مرا
کارنامه وفا فرستادی
عجزمن دیدی ازثنا که به من
رهنمون ثنا فرستادی
پیش تا من کنم مدیح توساز
صلتم ازسخا فرستادی
نعمت بیکرانه بخشیدی
گنج بی منتها فرستادی
ریختی خون من به دشنه هجر
هم مرا خونبها فرستادی

ادامه درص ۵

هیواد د ټولټاکنو په درشل کې، د نا امنیو له غوبل سره

شفیق



پداسې حال کې چې د ولسمشرۍ او ولایتي شورا د ټاکنو کمپاین په رسمي او قانوني توګه په تیري سه شنبې له ورځې څخه د هیواد په اکثرو ښارونو او پلازمینه کابل کې د نوماندانولخوا آغازشوی، لاورڅخه د مخه د هیواد په اکثرو ولایتونوکې د امنیت وضع له یوې ورځې څخه بلې ته خرابه شوې ده، څکه زموږ هیواد وال د دې شاهد دي چې د تیري اونۍ د جمعې په شپه نهه بجې د هلمند ولایت دګرشک په ولسوالۍ کې د شوراب په دښته کې د کندهار- هرات په لویه لاره باندې دیوی درنی چاودنی په نتیجه کې اوه دیرش تنه مړه او ټپیان شول، چې ورسره اته ټانکرې ویجاړې او څلور سرف موټرې هم تخریب شوې وې. او هم ورسره د کندهار په ښارکې دیوبنخ شوي ماین د چاودنې په نتیجه کې څلورتنه پولیس او دوه تنه ملکی وګړي ټپیان شوی و، همدارنګه په تیره اونۍ کې پلازمینې کابل ته له ټولونږدې ولایت لوګر کې د ظهیرالدین په نوم یو تن تاجر د نامعلومو وسله والو لخوا د چرخ په ولسوالۍ کې وژل شوي ؤ.

او هم دې ته ورته د تیرې سه شنبې په ورځ د کندز په ولایت کې د شیرخان بندر د نفتی مواد و د رئیس د کندز په لاره وژل کېدل ؤ. همدارنګه د چارشنبې په ورځ په خوست ولایت کې د دوؤ چاودنو په نتیجه کې د دریو تنو وژل کېدل او د دوؤ تنو ټپیان کېدل بله پیښه وه، او هم د وروستېو اونو و اطلاعاتو له مخې د هیواد په جنوب کې د آیساف ځواکونو درې تنه ډنمارکې پوځیان دسرک غاړې د یو ماین په نتیجه کې هلاک کېدل او هم دلغمان ولایت په دولت شاه ولسوالۍ اوپه ګاوند کې د کنړپه ولایت کې په چپه دره کې د مخالفینو او دولت ترمینځه د جګړې په دوران کې دواړو لوروته د مرګ ژوبلې اوښتل او د کنړ په پېښه کې په سیمه کې د سلفي طالبانو د یو ویاند دځرګندونو له مخې د ایتلاف د ځواکونو دیوې نقلیي وسیلې ویجاړیدل او د هغوې څوتنه وژل کیدل- که څه هم د ایتلاف ځواکونو دغه ادعا ردکړې ده- او هم تېرې اونۍ په دوران کې په یوه ورځ، د ننګرهار په چپرهار ولسوالۍ کې اوننګرهار پوهنتون د شرعیاتو او ادبیاتو پوهنځیو ترمینځه د چاودنو خبر ونه هغه څه دي چې په هیواد کې د امنیت وضع له یوې ورځې څخه بلې ته دخرابیدلو په لورې روانه ښایې او همدا هغه عامل دی چې لامله یې د چهارشنبې په ورځ د بادغیس ولایت د بالامرغاب د ولسوالې خلکو دیوې غونډې په ترڅ د دې ګواښ کړي و چې په سیمه کې د دولت د ناکامو پالیسیو په بنیاد د خرابې شوې امنیتې وضعې لامله به دوې په ټولټاکنو کې برخه وانخلي او دټاکنو لپاره رالیږل کیدونکې بکسونه په بیرته خالی کابل ته ولیږي.

بلې خواته په تیره اونۍ کې دالجزیره نړیوال تلویزیون د دوؤ تنو خبریالانو حمیدالله او قیس عظیمي داستخباراتو لخوا راغوښتل کیدل او بیا د ژورنالیستانو لخوا د هغوې دنیولو دغندنې او ددغه تلویزیون لخوا دهغوی د بیرته آزادیدلو غوښتنې په ځواب کې- که څه هم بیا د ولسمشر په حکم آزاد کړای شو- دغه دلیل نیول چې چې دوې په کندز کې د وسله والومخالفینو د فعالیت عکسونو خپاره کړي دي او بیا د ولسمشر کرزي د تبصرې له مخې په هیواد کې د غه تلویزیون ناامنیو ته د لمنې وهلوپه تور تورنول، د دې خبرې ثبوت دي چې موجوده دولت د امنیت په راوستلو کې په بشپړه توګه ناکام شوی دی. څکه رسنۍ دنړیوالو قوانینو له مخې آزادې وي او دهرچا سره د مرکې کولو او دهغو دخپرولو حق لري، اوله همدې امله خو په هیواد کې د ژورنالیستانو اتحادیو دغه غمل وغنده او هغه یې د رسنیو د آزادۍ په محدودلو سره تعبیرکړ.

نو پداسې حالاتوکې د ولسمشرۍ ټولټاکنې راروانې دي او موجوده دولت د شاو خوا څلویښتو دولتونو له اتوکلونو راهیسې په شتون کې هم پدې وته توانیده چې هیواد له امنیت څخه برخمن کړي او بلکې امنیتې وضع له یوې ورځې څخه بلې ته تردې حده خرابیږي چې د کورنیو چارو وزارت مسوول مقام هم تیره اونۍ له ټولوزیاته ناامنه اونۍ ګنلې وه او دخپلې ناتوانۍ په اعتراف مهرلګوي نو د ناټوځواکونو لخوا زموږ هیوادته د نورو ځواکونو راتګ او یا په ځانګړې توګه د ټاکنو په موده کې د امنیتې وضعې دښه کولو لپاره دلسو زره په شاوخواکې تازه دمو پوځونو راتګ به څه وکړي؟ ترڅوچې داسې نظام او چارواکې د هیواد سیاسي راتلونکي په لاس کې وانخلي چې په خپل سیاسي بصیرت اوافغاني هویت او جرات سره د مخالفینو ځواکونه دسولې او افغانې تفاهم له لیارې د دولت له مخالفت څخه راونه ګرځوي او د هیواد ټولو خلکو طبقواو ډلوته د منلو وړملي زعامت نه وي او هم یې خپله تکیه د پردیو پرځای پرخپل ولس نه وي.

او هم یې مسولین او چارواکي ځانونه پرولس باندې اووړتیا لرونکي شخصیتونه له دولت څخه همداسې- لکه چې دا اوس څه حالت دي- لیري پاتې شي او د نظام د مثبت بدلون په لورې په رېښتوني معنا قدم اوچت نشي نو که هر څومره څېرې د ټولټاکنو له لیارې بدلې هم شي بیا هم د ولس د باور وړنه اوسي او د ډاډمن امنیت او سوکالۍ په لورې به هېواد روان شي.

شاعر اندر قلب ارباب هنر...

سوختی جانم ازفراق ومرا
کوثرجانفزا فرستادی
خاطری را که تاب غم بگداخت
نکته غم زدا فرستادی
چامه دل نواز وروح انگیز
چون نسیم صبا فرستادی
سخن پاک چون دعای رسول
بهردفع بلا فرستادی
زخمه راندی تو برستای ضمیر
گوش دل را نوا فرستادی
باربدوش نوای جان آهنگ
بنو آئین ادا فرستادی
پرده برخاستی به را ه عراق
درصماخ هوا فرستادی
برکشیدی زچنگ دل آواز
نغمه دلربا فرستادی
نسخه سحربابلی زحجاز
به ری ای استاد فرستادی
سحرمطلق به شیوه هاروت
نه کنون بارها فرستادی
بل نه سحراست معجزاست شگفت
کزپی اهتدا فرستادی

ادامه شعر همچنان روح انگیز است وشور آفرین. می سزد تا پای، زمزمه اش کنیم و روان خویش را از هدیه روح پروری که از سوی استاد خلیلی دریافت داشته و شاعر نامدار ایران بر وصف آن هدیه با کلمات شیرین و دلنشین پرداخته است، بر آرائیم:

ای خلیل الله ازمقام خلیل
بینوا را نوا فرستادی
برسرخوان حق چونبشستی
زله ناشتا فرستادی
کعبه آرایش است ومروه مثال
این سخن کزصفا فرستادی
ای سلیمان همم به مورضعیف
پیل بالا عطافرستادی
ای سرافیل دم نسیم حیات
سوی اجزای لا فرستادی
ای حیات امم رسول بقا
به حصارفنا فرستادی
بوستان را به برگ ریزخزان
مرغ دستان سرافرستادی
به غزالان خشکسال نیاز
طعمه مشکین گیا فرستادی
به عقابان دورمانده زقید
مسته شیرین ابا فرستادی
تیره روزان کوه آفت را
سایه گسترهما فرستادی
گردن شاهدان فکرت را
زیورپریها فرستادی
گیسوی دلبران معنی را
هدیه مشک خطا فرستادی
خضروارازبرای خشک لبان
تحفه آب بقا فرستادی
پی بهبود جان بیماران
ای فلاطون دوا فرستادی
زان شفا بخش گوهران ضمیر
خسته دل را شفا فرستادی
چشم رنجورسست بینش را
مدد توتیا فرستادی
بسوی جرم ماه دیده محاق
نورهای ضیا فرستادی
مس زنگار دیده را به کمال
ازکرم کیمیا فرستادی
خیبردژنهاد حادثه را
حیدر درگشا فرستادی
وزپی قهردیو وسوسه را
عمری درغذا فرستادی
تاج زرین آفتاب بلند
سوی جرم سها فرستادی
مرغ عرشی به خاکدان راندی
نور خورزی هبا فرستادی
بهر سوکوب مار دوش عناد
کاویانی لوا فرستادی
من نه کیخسروم ولی تومرا
جام گیتی نما فرستادی
ذره ای را به فره خورشید
اززمین برسما فرستادی
رهرو دم گسسته را به وصول
نفس کبریا فرستادی
به برسالکان صدق وصفا
خلعت اصطفا فرستادی
ردی عزتست وحله ناز
که توغم را ردا فرستادی
ازثنای درون سنائی وار
تیره شب را سنا فرستادی
جبرئیل آیتی که دوران را
معجزدیرپا فرستادی
آسمان دولتی که برتروخشک
فیض ولطف خدا فرستادی
یا به پور زهیر مدح سرای
پرده مصطفی فرستادی
یا شبان شعیب را به نوال
اژدها فش عصا فرستادی
عجیم کآفتاب پرده شکاف
ازچه ره درخفا فرستادی
ارمغانی چنین بدیع ولطیف
بازگو کزکجا فرستادی
ازبرمن خیال غم بگریخت
این طرب نامه تا فرستادی
لیک طبع م ا به پاسخ شعر
دردم اژدها فرستادی

نا توانی های دولت در کار مبارزه با مواد مخدر

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل



یکی از ناکامی های دولت در هشت سال گذشته، ناکامی در مبارزه علیه مواد مخدر می باشد.

دولت در رابطه با مبارزه با مواد مخدر پول فراوان دراختیار دارد و دارای پولیس ویژه در جهت مبارزه با مواد مخدر و محکمه خاص می باشد، اما نسبت به نبود یک برنامه مشخص و وفاداری دولت در قبال کشت بدیل برای دهقانان زمینه های این ناکامی را فراهم کرده است.

طوری که می دانیم در چوکات کابینه افغانستان وزارتی به نام مواد مخدر و معینیت مبارزه با مواد مخدر درچوکات وزارت امور داخله آن هم با پولیس ویژه نتوانسته است دست آوردی در این زمینه داشته باشد. تولید مواد مخدر درمیان جامعهٔ جهانی سرافگندگی زیادی برای افغانستان به بار آورده است. آمارها نشان می دهد که بیشتر از ۸۰ درصد مواد مخدر کل جهان از مناطق جنوب و شرق افغانستان به دست می آید. تولید مواد مخدر در افغانستان باعث گردیده برخی از کشورها نسبت به آن نا رضایتی نشان داده و ادعا کنند که این کار خسارات مالی، انسانی و اجتماعی به این کشورها وارد کرده است.

چنانچه چندی پیش یکی از مقام های روسی مدعی شده بود که خساراتی که مواد مخدر تولید شده در افغانستان بر این کشور واردمی نماید، بیشتر از خساراتی است که روسیه درجنگ افغانستان متحمل گردیده است. ایران نیز یکی از کشورهای می باشد که ادعا دارد تولید مواد مخدر، درافغانستان به این کشور زیان های انسانی فراوان را به بار آورده است، از همین رو این کشور می خواهد با کمک به افغانستان در راستای مبارزه با مواد مخدر میزان خسارات مالی، انسانی، و اجتماعیی که از ناحیه مصرف این مواد و تولیدی افغانستان متحمل می گردد، را کاهش دهد. اما آنچه را که به عنوان کمک و همکاری از سوی کشورهای مختلف جهان چون ایران، روسیه، جاپان، انگلیستان، امریکا سایرکشورهای به هدف مبارزه با کشت مواد مخدر به این کشور تحویل داده است.

مخالفان مسلح با دست باز به کشت مواد مخدر می پردازند. همین اکنون در ولایت هلمند که طالبان در آن فعالند، بالاترین ریکارد را در تولید تریاک فراهم کرده است. گزارش ها نشان می دهد که در آمد طالبان از کشت مواد مخدر سالانه به ده ها میلیون دالر بالغ می گردد.

طالبان از این پول به راحتی می توانند سربازگیری کنند و تلفات سنگینی به نیروهای خارجی مستقر در افغانستان و نیروهای دولتی به وجود آورند.

فساد اداری، نبود یک هماهنگی سالم، عدم آگاهی مردم از اضرار این مواد کشنده نبود مجازات و ده ها عامل دیگر موجب گردیده است تا کشت مواد مخدر در افغانستان از سوی مخالفان دولت رونق بیشتر یابد.

اگر انسان ها هزارها سال پیش از مواد مخدر به حیث وسیلهٔ تسکین کننده دردها استفاده می کردند و تریاک صرف برای مصارف داخلی می گردد است، اما امروز کشت تریاک و طی سالیان اخیر بالاثر جنگ ها، نفوذ خارجیان و مهاجرت هموطنان به کشورهای همسایه از این مادهٔ مهلک به عنوان وسیلهٔ تجارت ومنفعت های شخصی و گروهی کار گرفته می شود. قبل از همه جوانان شکار این مادهٔ مهلک می شوند، فقر و بیکاری و فرار از مشکلات زندگی و عدم توانایی فرد در روبرو شدن با مسایل اجتماعی از دیگر عواملی اند که موجب می شود، که شخص مواد مخدر را پناه گاهی خود تلقی کند، و به آن پناه ببرد.

رابطه فقرو بیکاری و عدم آگاهی سالم از باورهای دینی واسلامی بر میزان مبتلایان این مرض می افزاید، روی همین منظوراست که کشورهای سرمایه های بزرگی را در جهت رشد ارتقای فرهنگی جوانان به مصرف می رسانند، هر قدر آگاهی بیشتر می گردد، فساد و بی مبالاتی در جامعه کاهش می یابد که دولت افغانستان ظرف این این سال های اخیر توانسته است، اضرار مواد مخدر را به مردم تفهیم نماید.

فاجعهٔ بزرگ مواد مخدر در افغانستان چنان گسترده و پیچیده است که مبارزه با آن بدون شک از توان این حکومت خارج گردیده است، زیرا چنین گمانه زنی های وجود دارد که دست های پنهان و نهان درکار کشت و قاچاق این مواد دست دارند که درحاکمیت موجود دارای اعتبار ونفوذ زیاد می باشند.

انسان وقتی می تواند درجهت اصلاح جامعه بپردازد که خود مصلح باشد. هر قدر انسان های بی کفایت خود خواه، کینه توز و عاشق ثروت وسرمایه، در بدنه حکومت حضور داشته باشند، تعداد از جوانانی که به منظور دست یابی به کارواشتغال کشور را ترک می کنند، تعداد شان شکار این تراژیدی می گردند طوری که یک تعداد آن ها نظر به عواملی غربت وبیکاری و فقر مزمن از سوی قاچاق چیان مواد به خدمت گرفته می شوند و تعدادی خود به این عمل زشت روی می آورند.

باید گفت که قاچاقچیان بین المللی و منطقوی برنده اصلی و بازنده این بازی، مردم افغانستان است. در حقیقت این دولت ظرف این سال ها نتوانست از پول هایی که در این عرصه از سوی جامعه جهانی می شود در جهت محو و کاهش این مواد مهلک استفاده نماید، نظر به بی کفایتی که در این نظام وجود داشته است، در جهت تقویت هرچه بیشتر مافیای تریاک خدمت بزرگ نموده است و ادامهٔ این حکومت در حقیقت ادامه حکومت مافیای مواد مخدر اقتصاد نا مشروع در کشور خواهد بود.

حمایت گسترده از نامزدی داکتر عبدالله رو به افزایش است

روز شنبه، همایش بزرگی در شهر مزار شریف به هدف حمایت از داکتر عبدالله برگزار گردید.

در این همایش با شکوه که هزاران تن از گروهها، احزاب، نهادهای فرهنگی و مدنی، مجاهدین و عامه مردم صفحات شمال کشور اشتراک کرده بودند، استاد عطا محمد نور؛ والی بلخ، داکتر عبدالله را چهره ی خوشنام، مجاهد و روشنفکر معرفی کرد که شایسته زعامت سیاسی کشور است.

وی گفت که افغانستان برای غلبه بر دشواری ها و نجات از بحران، نیاز به یک رهبری سالم دارد که آقای عبدالله یک چنین شخصیتی است و می تواند وحدت ملی و اعتماد مردم افغانستان را به دست بیاورد.

در این اجتماع عظیم، آقای دانش از مسوولان حزب اقتدار ملی و سید ظاهر از مسوولان حزب حرکت اسلامی و شماری دیگر از بزرگان علمی و فرهنگی مزار شریف در بیانات جداگانه حمایت خود را از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله اعلام کردند.

علما و دانشجویان بلخ حمایت خود را از داکتر عبدالله اعلام کردند

جوانان دانشجو و علمای دین در ولایت بلخ روز چهار شنبه هفته گذشته حمایت شان را از آقای داکترعبدالله نامزد انتخابات ریاست جمهوری اعلام نمودند.

جوانان دانشجوی بلخ طی یک گردهمایی در تالار آریانای این ولایت خواستار نظم و ثبات در کشور شده و همکاری خود را با ستاد انتخاباتی آقای عبدالله اظهار نمودند.

همچنان علمای دین در مسجد جامع روضه حضرت علی (ع) طی مراسمی اعلان آمادگی نموده و طرف داری شان را از آقای داکتر عبدالله عبدالله ابراز نمودند.

حمایت مردم کاپیسا از نامزدی داکتر عبدالله

هزاران تن از مردم ولسوالی صیاد ولایت کاپیسا در یک گردهم آیی با شکوه که در آن نماینده های ولسوالی های تگاب، نجراب و کوهبند نیز شرکت داشتند از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله در انتخابات ریاست جمهوری اعلام حمایت کردند.

در این گردهم آیی بزرگ شرکت کنندگان، داکتر عبدالله را یگانه گزینهٔ مناسب برای برون رفت کشور از وضعیت فعلی خواندند.

همچنین استاد عبدالستارمراد؛ رییس ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله که در این همایش حضور داشت ضمن معرفی برنامه های داکتر عبدالله، به نمایندگی از وی، از مردم کاپیسا قدردانی و اظهار سپاس کرد.

همچنان طبق گزارش رسیده اجتماعات و راه پیمای های بزرگی در هفته گذشته در ولایات فاریاب و جوزجان در حمایت از داکتر عبدالله ضورت گرفته است. در این گردهمایی ها شمار فراوانی از باشندگان آن ولایات شرکت نموده و حمایت خویش را از داکتر عبدالله اعلان کردند.

سخنرانان ضمن یاد اوری از مشکلات کنونی کشور، ضرورت ایجاد تغییرات در عرصه های مختلف سیاسی و امنیتی را مطرح نموده و داکترعبدالله را بهترین انتخاب برای رهبری کشور در پنج سال آینده خواندند.

هزاران تن از مردم ولایت هلمند از داکتر عبدالله اعلام حمایت کردند. در همایشی که به روزجمعه هفته گذشته در شهرلشگرگاه دایر شده بود، اشتراک کنندگان، داکتر عبدالله را بهترین انتخاب برای ریاست جمهوری دانسته حمایت شان را از داکتر عبدالله اعلام کردند.

چیست یاران طریقت بعد از این ...

عنوان داد، و برخی ازفقهای خلافت عثمانی دردوران فروپاشی آن ازشاه به حیث" سایه گسترده خداوند". تعبیر می کردند و به این ترتیب هر حرف وحرکت مخالف ادامهٔ قدرت خودرا عصیانی دربرابر ارادهٔ ماوراء می دانستند که به پندار او برایش مشروعیت ادامه قدرت را داده است، وبه عنوان طغیان دربرابر قدرت ماورایی سرکوبش می کند.

ونکته مهم دیگری را که این گونه موضعگیری ها وفتواهای به اصطلاح اسلامی ویا این گونه استخاره های چون استخاره حضرت مجددی با وصف آن که درسن کهولت هم صورت گرفته و بیشترشبیه به خواب های پریشان است، آن چه را که دراذهان مردم القا می کند، این خواهد بود که این روسای حکومت باید ازجهات دیگری مشروعیت خود را بدست آرند نه ازآراء مردم.

چنین برداشتی ازاسلام درمورد زعامت مسلمان درتضاد با نصوص اسلامی است، با انقطاع وحی بعد ازوفات پیامبر، دیگرهیچ کسی حق آن را ندارد که ازطریق استخاره والهام، مشروعیت شخص ویا گروهی را به مردم تلقین کند.

وچنین عملی ازهرجهت که صورت می پذیرد عملیست درتضاد با موازن اسلامی وآن هم ازجهت کسی که درسایه قدرت حاکم به حیث فعال مایشاء حرف می زند و موضعگیری می کند و به مخالفان وموافقان خود هرلقب برچسپی را که شایسته آن ها ببیند نثارمی کند وبازهم باید گفت:

"چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما"

آیا حامد کرزی به مناظره تلویزیونی با داکتر عبدالله آماده خواهد شد؟

مهدي





افغانستان بنا بر اظهارات مسؤلین ومقامات آن، هیچ نوع مداخله وتأثیر در اجرای این پروژه ها نداشته وحتی خارجیان به ارگان های دولت در این زمینه گزارشی هم نمی دهند، دوم این که، در اجرای این پروژه ها اختلاس ها وکارهای غیر قانونی فراوان صورت گرفته ودرنتیجه با کیفیت بسیار پایین به بهره برداری سپرده شده اند، بطوریکه برخی از این راه های اکنون تخریب گردیده است.

تازه از نگاه منتقدان دولت آقای کرزی در زمینه اجرای پروژه های عمرانی، نقش منفی داشته است، چون مقامات حکومت از انجوها وشرکت های اجراکننده رشوه گرفته اند واز نظارت بر اجرای آنها، حداقل کاری که می توانستند انجام دهند، خود داری نموده اند، برخی این پروژه ها که از جیب مردم افغانستان یعنی قرضه های خارجی اجرا شده ، باید مردم افغانستان تا سالها بهای ضعف وناکارگی حکومت را بپردازند.

دولت همیشه از بلند رفتن نرخ رشد اقتصادی وافزایش در آمد سرانه کشور حرف می زند اما درعمل فقر شدت یافته وبر شمار گرسنگان افزوده شده است.

در زمینه دست آوردها در عرصهٔ سیاسی وحکومت داری می توان به تشکیل لویه جرگه ها، تصویب قانون اساسی و انتخابات پارلمانی وریاست جمهوری اشاره کرد، اما متأسفانه این دست آوردها آن چنان با بی بندباری ونظام گریزی واستبداد گرایی ادارهٔ آقای کرزی در هم آمیخته است که، برخی چنین دست آوردهای بشدت مسخ شده وبرخی آنها در معرض نابودی قرار گرفته است.

اگر قانون اساسی، قانون مطبوعات ودیگر قوانین ساخته شده، مخالفان سیاسی آقای کرزی ادعا دارند که بنابر اظهارات مسؤلین حکومت، این قوانین تحت فشار واعمال نفوذ شدید خارجیان تدوین وتصویب گردیده است.

برخلاف فیصلهٔ نماینده گان ملت وبه شکل غیر قانونی در قانون اساسی دستبرد صورت گرفته ودر آن به نفع تیم قبیله گرا تغیراتی به میان آمده است. نتیجه قانون اساسی به وجود آمدن حکومت متمرکزی است که زمینه استبداد وفساد لگام گسیخته را مساعد ساخته است.

متأسفانه پیش از هر کسی دیگری دولت آقای کرزی به اعتبار وجایگاه قانون اساسی صدمات بزرگی وارد نموده، در مواردی این قانون توسط حکومت وشخص رئیس جمهور نقض گردیده است.

برگزار نشدن، انتخابات شوراهای ولسوالی ها، تعویق انتخابات وتمدید غیر قانونی دوران حکومت، از جمله نقض های است که دلایل حکومت برای هیچ کسی قابل قبول واقع نشده است.

فساد اداری که بنا بر اظهارات منابع بین المللی، حکومت افغانستان را به یکی ازفاسد ترین حکومت های جهان تبدیل نموده، از جمله دست آوردهای منفی حکومت است که دیگر جای برای دفاع سخنگویان وهواداران حکومت ومناظرهء تلویزیونی حامد کرزی بجا نگذاشته است.

تضعیف شدید روحیه همگرایی میان اقوام واقشار مختلف جامعه، باند بازی، قبیله گرایی وضربه زدن به روند تشکیل ملت سازی از جمله کارنامه های دیگر این حکومت است.

در عرصه امنیت که اهمیت فراوانی برای مردم دارد، دولت آقای کرزی هیچ نوع دست آوردی ندارد، از سال ۱۳۸۰ بدین سو اکنون امنیت بیش از هر زمانی دیگری وخیم تر گردیده است.

در عرصه فرهنگی نیز اقداماتی، مانند به آب انداختن کتاب ها، زندانی ساختن قانون رسانه ها، برکنار کردن خبرنگاران به جرم تکلم به زبان مادری وچند شاهکار دیگر کافیست تا ماهیت فرهنگ ستیزانه حکومت کرزی روشن گردد بنابراین ادعای تقویت آزادی بیان از طرف حامد کرزی، بنا بر گفته وزیر فرهنگ حرف مفتی بیش نیست.

بنابرین حامد کرزی در هیچ مناظره با نامزدان دیگر مخصوصا داکتر عبدالله و داکتر اشرف غنی که از تصمیمها واحکام نا بجای رئیس جمهور آگاهی دارند واسناد زیادی در اختیار آنهاست، شرکت نخواهد کرد.

اگر چه سخنگویان دولت هنوز هم از دست آوردها لاف می زنند، و سعی می کنند انتقادها را ناموجه جلوه دهند، اما این ادعاها ودفاع ها از نگاه مردم مسخره آمیز وخنده آور جلوه می کند.

ادعای موفقیت از سوی حامد کرزی در یک بحث تلویزیونی برای هزاران خانواده که عزیزانشان را از دست داده اند، جز پاشیدن نمک بر زخمهای شان مفهومی دیگر نخواهد داشت.

دمیا طفیل احمد په یاد

محمدنسیم فقیري



میاطفیل احمد د پاکستان د اسلامی جمعیت پخواني امیر، ورمه ورځ (دجون دمیاشتی په پنځه ویشتمه نیټه) له دی فانی نړۍ، ته سترګې پټې کړې. انا.... واناالیه راجعون.

دپاکستان اسلامی جماعت- پرته له دی نه چی د جهاد په وروستیو او دمجاهدینو دحکومت او له هغه نه پس د جماعت د مشرتابه په سیاستونو او انګیرونو باندی خبری وکړو- ددې سیمی په تاریخ کې او د اسلامی نړی داسلامی ګوندونو په کتارکې ځانګړی ځای لری.

پوهیږو چې په دی سیمه کی ډول ډول اسلامی او دینی او مذهبی ګوندونو شتون لری او د ددی ترمنځ خپل منځی اختلاف، نورو ګوندونو ته لاره هواره کړی چې په آرامه خپل کاروکړی او د خلکو رایه ترلاسه کړی. د دینی ګوندونو فکری او سیاسی اختلاف دوی لامل ګرځیدلی چې د دوی فکر، قوت او وخت په اختلافاتو کی تیراوضایع شی او داسلام دښمنانو تری ګټه واخلی!

ذپاکستان اسلامی جماعت په دی برخه کی ځانګړی بیلګه ده.

په پاکستان کی د نورو دیني ګوندونو تعصب او تندلاریتوب د دی باعث شو چی اسلامی جماعت ونشی کولای د خلکو په پراخو پرګنو کی کار وکړي. همدا وجه ده او دهمدی ترخی تجربی په لرلو سره مرحوم مودودی له جهاد نه مخکی زمونږ مشرانو ته سلا او مشوره ورکړی وه چې ډیر احتیاط وکړی اوله ملایانو سره په ټکرکی واقع نشی.

د اسلامی جماعت ځانګړتیا د هغه ګوندی جوړښت اونظم دئ! پوهیږو چی د آسیا په سهیل ختیځ کی او په ځانګړی توګه په پاکستان، هند او بنګله دیش کی کورنی او خاندانی ګوندونو شتون لری او دیو ګوند مشری په میراثی شکل په یوه کورنۍ کې پاتی کیږي؛ په دی کی فرق نلری چی داګوندونه سیکولر دی یا دینی!

دپاکستان د خلکو ګوند یا پیپلزپارتی د ذوالفقار علی بوټو له خوا جوړ شو او له هغه پس د هغه میرمنی (نصرت بوټو اوبیا لوریی (بی نظیربوټو)، د ګوند مشری کوله او اوس دهغی زوی (بلاول بوټو) ته وار رسیدلی چې په برتانیه کی زده کړی کوی او دهغه پرځای د هغه پلار (آصف علی زرداری) د ګوند مشردئ.

همدارنګه د پشتون قام پرستانو مشري له خان عبدالغفار خان نه نیولی بیا دهغه زوی خان عبدالولی خان اوبیا دهغه زوی اسفندیارولي له خوا کیږی.

په دینی ګوندونو کی همداشان د مولانا مفتی محمود دمرګ نه پس د جمعیت العلمای اسلام مشری د مولانا فضل الرحمان په غاړه ده...

په هندکی داندراګاندی نه وروسته د هغه زوی (راجیوګاندی) او اوس دهغه میرمنی (سونیاګاندی) د کانګریس مشری کوی.

په بنګله دیش کی د عوامی لیګ د ګوند د مشر دشیخ مجیب الرحمن نه پس د هغه میرمنی(حسینه واجد) د ګوند مشری کوی. او د جنرال ضیاء الرحمن د وژل کیدونه وروسته د هغه میرمن (خالده ضیا) دګوند مشری کوی.

نو د دی واقعیتونو په نظرکی نیولو سره ویلای شوچی د پاکستان اسلامی جماعت یواځینی ګوند دی چې کورنی یا خاندانی خصوصیت نلری او ددی رواج د نلرلو دځانګړتیا ویاړ لري.

ددی ګوند بله ځانګړتیا په دی کی ده چی لاربښود په خپل ژوندکی دمشری نه لاس اخلی اوبل کس ته ځای پریدی. مو دودی د جماعت له مشری نه مستعفی شو او میاطفیل احمد دهغه پرځای وټاکل شو او اوس قاضی حسین احمد و نه غوښت چی بیا دامارت تاکنوته ودریږی.

میاطفیل احمدصاحب دیر اوږدعمر درلود او په پنځه نوی کلنی کی وفات شو.

میا صاحب د سیاست ترځنګ، ادب او تصوف ته خاصه پاملرنه لرله او مشهور کتاب (کشف المحجوب) یی په اردو ژبه ژباړلی اوځو ځلی چاپ شوی ده.

میا صاحب په سیاست کی هم منځ لاری غوره ګڼله او له افراطیت نه ډډه کوله.

دجهاد په کلونو کی یوځل د دعوت او جهاد دپوهنتون څوسوه محصلین دیوي علمی او تفریحی دورې په ترځ کې لاهور ښار ته لاړل او دوه شپی داسلامی جماعت میلمانه و چی د هغوی په مرکز (منصوره) کی تم شوي و. یوه ورځ میاصاحب چی دجماعت پخوانی امیرؤ، محصلینو ته په زړه پوری وینا وکړه چی دهغی له وینا نه په واضحه توګه دهغه منځه لاری توب په ګوته کیده. لوی خدای دی ورته جنتونه په نصیب کاندی. امین

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ چهاردهم ٦ سرطان ١٣٨٨ ٤ – رجب المرجب ١٤٣٠ – 27- June 2009

سخنگوی دولت:

ملاقات نامزدان ریاست جمهوری با سفرای کشورها مداخله در امور افغانستان است

به دنبال ملاقات داکتر عبدالله و داکتراشرف غنی احمدزی نامزدان ریاست جمهوری با ایکن بیری سفیر امریکا، همایون حمیدزاده سخنگوی حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان، این ملاقات را مداخله در امور داخلی افغانستان خوانده وگفت باید، تمام ملاقات های سفرای کشورهای خارجی از جمله امریکا از طریق وزارت خارجه صورت گیرد.

یکی از مقامات امریکایی که هفته گذشته از کابل دیدارنمود، از این اقدام سفیرکشورش دفاع نموده گفته است، ملاقات های ذکرشده طبق سیاست دولت امریکا صورت گرفته است، جمیز جونز مشاورامنیت ملی امریکا افزود کشورش درانتخابات افغانستان موضع بیطرفانه داشته و از نامزد خاصی حمایت نمی کند، همچنان که با هیچ نامزدی مخالفتی ندارد.

سفارت امریکا در واکنش به اظهارات سخنگوی ریاست جمهوری گفته است، هدف از ملاقات با نامزدان، رساندن پیام رئیس جمهور آن کشور واطلاع از برنامه های نامزدان بوده است.

کارشناسان، ملاقات سفیران ونمایندگان کشورهای خارجی با سیاستمداران و رهبران احزاب سیاسی و نامزدان انتخابات در کشورهای دارای سیستم های آزاد و دیموکرات را، دخالت درامور کشورهای دیگر نمی دانند.

به باوراکثر صاحب نظران، دولت افغانستان از نگاه اخلاقی و سیاسی درچنان موقعیتی قرار ندارد که گروه ها و شخصیت های کشور را در رابطه با تماس با نمایندگان کشورهای دیگر متهم به رفتار غیر قانونی نماید.

اکنون بیش از هفتاد هزار نیروی خارجی به منظور حمایت از حکومت افغانستان در کشور حضوردارند و آقای کرزی رئیس جمهور کنونی سوار بر تانک ها و یا حداقل هلیکوپترهای کشورهای دیگر وارد افغانستان و حتی ارگ ریاست جمهوری گردیده است.

درچندین انتخابات و لویه جرگه ها، نمایندگان و سفرای کشورهای خارجی از جمله خلیل زاد. به صورت آشکاری به نفع کرزی اعمال نفوذ کردند و حتا در تدوین و تصویب قانون اساسی به نفع کرزی مداخله نمودند.



اکنون نیز برخلاف نورم های که سخنگوی دولت از آن حرف می زند. وزیران و مقامات دولت روزانه با سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی ملاقات می کنند و وزارت خارجه هیچ نوع اطلاعی از این ملاقات ها و تماس ها بدست نمی آورد. دولت اگر در ادعای استقلال خواهی خویش صداقت داشته باشد باید درگام نخست مامورین خویش را از تماس ها و ملاقات های غیر قانونی با سفرا و نمایندگان خارجی باز دارد.

تعیین چهارچوبی برای تماس های اشخاص حقوقی و حقیقی با نمایندگان کشورهای دیگر کار بسندیدهٔ است، اما باید توسط حکومتی عملی شود که به معنای واقعی کلمه حافظ استقلال کشور و پیرو قانون و منافع ملی باشد.

درکشوری که هزاران سرباز خارجی برای دفاع از حکومت حضورداشته باشند و روزانه ده ها غیرنظامی در جنگ به قتل برسند، حکومتی که در تامین امنیت و حفظ حیات شهروندان خویش نا توان باشد و از جانب دیگر در قانون شکنی یک گام جلو تر از دیگران حرکت کنند. حق اخلاقی متهم کردن شخصیت ها وگروه های سیاسی به علت تماس با نمایندگان کشورهای دیگر را ندارد.

انتخابات ریاست جمهوری
مبارزات انتخاباتی

فقیری

از ۲۶ جوزا مبارزات انتخابات ریاست جمهوری رسما آغاز گردیده است. ما طبق حکم قانون، از همین روز به پخش عکس ها، پوسترها و اوراق تبلیغاتی خویش پرداخته ایم و حتی یک روز قبل از این تاریخ چنین کاری را نکرده ایم!

مردم ما و به ویژه شهریان آگاه شهرکابل شاهد اند که دیگران قبل از این تاریخ به پخش و نصب عکس ها و پوسترها پرداخته اند و یا لوحه ها و پارچه هایی را بر فراز دفاتر خویش آویخته اند.

ما در ۲۶ جوزا دفاتر مبارزات انتخاباتی خویش را افتتاح و رسما به کار آغاز کرده ایم، درست است که ما نیز قبل از این تاریخ مشغول بوده ایم ولی این کار شامل دورهٔ آمادگي برای مبارزات بوده وهرگز عکس و لوحه و تابلویی دیده نشده است!

همه می دانیم که هیچ فرد یا گروهی و ازهمه مهمتر حکومت ها هرگز اعتراف نمی کنند که طبق احکام قانون کار و رفتار نمی نمایند. و یا مرتکب نقض احکام قوانین وبخصوص قانون اساسی می گردند...

همه می دانیم که هیچ فرد یا گروهی و ازهمه مهمتر حکومت ها هرگز اعتراف نمی کنند که طبق احکام قانون کار و رفتار نمی نمایند. و یا مرتکب نقض احکام قوانین وبخصوص قانون اساسی می گردند...

تخلف وسرپیچی از احکام قانون ونقض احکام قانون اساسی از مشخصات بارز حکومت ما و رئیس آن است.

حکومتی که احکام قانون اساسی را زیر پا گذاشته،چگونه می توان از آن توقع داشت که در مبارزات انتخاباتی طبق احکام قانون عمل کند؟

ارزش ندادن و عمل نکردن به فیصله های نمایندگان مردم و استفادهٔ ابزاری و اهانت آمیز از ستره محکمه برای ادامه ریاست و حکومتی که دورهٔ قانونی آن سپری گردیده، نمونه های آشکار نقض قانون اساسی کشور است.

در دورهٔ آمادگی و در آغاز مبارزات انتخاباتی دیده شده است که مامورین حکومت بعضی از والیان و ولسوال ها برای رئیس جمهور کار کرده وکار می کنند!

گرچه دستور داده شده که به صورت علنی درمبارزات انتخاباتی شرکت نکنند ولی مردم ما شاهد اند که بعضی از والیان و ولسوالان در این امر شرکت دارند و به مردم و بزرگان آن ها وعده میدهند که در صورت انتخاب مجدد رئیس جمهور کنونی، در بخش های مختلف برای آن ها کارخواهدشد، سرک ها، شفاخانه ها، مکاتب، برق و...

بسیار جالب است که ستاد مبارزات انتخاباتی رئیس جمهور در مرکز و ولایات متشکل از کسانی است که مامورین عالی رتبه ملکی ونظامی بوده وبه تازگی ها استعفا کرده اند.

گرچه هریک از کاندیدا ها این حق را دارند که افراد مطلوب و مورد اعتماد خویش را برای اداره مبارزات انتخاباتی خویش برگزینند، ولی افراد متعلق به رئیس جمهور ما کسانی اند که هیچگونه شناخت وپیوند قبلی با او ندارند و فقط ماموریت دولتی این شناخت را ایجاد کرده است! بنا براین طبیعی است که این پیوند در صورت انتخاب مجدد رئیس جمهور باقی و پایدار خواهد ماند و با شکست او خاتمه خواهدیافت و کسی به سراغ او نخواهد رفت.